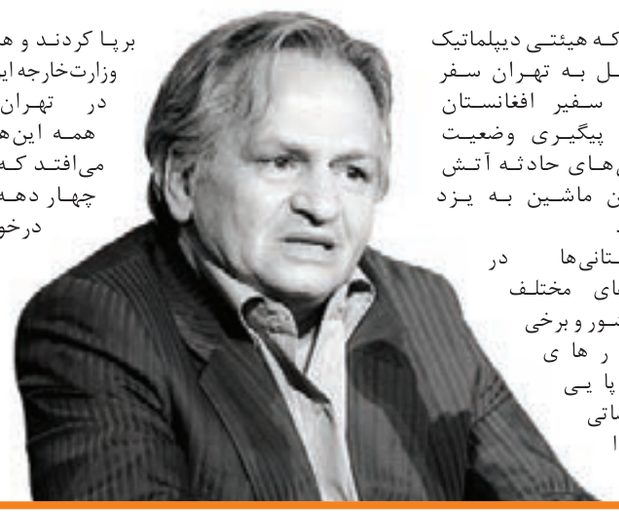
ایشان و اقدامات اداری یادشده، این مشکل برطرف می‌شود. موضوع بیماری و شرایط سخت زندگی استاد مایل‌هروی در تیرماه سال ۱۳۹۷در سطح رسانه‌ها مطرح شد و واکنش‌های زیادی را به‌همراه داشت که در همان روزها اقداماتی را مقامات وزارت ارشاد و وزارت‌خارجه برای حل این مشکلات انجام دادند که ظاهرا کاغذبازی‌های اداری تحقق این اقدامات را با تاخیر مواجه کرده است. این خبر درحالی این روزها به یکی از اخبار داغ تبدیل شده است که موضوع جان باختن مهاجران افغانستانی که به‌صورت غیرقانونی به ایران سفر می‌کردند، در «هریرود» و یزد، واکنش‌های زیادی را به همراه داشته است، تاآنجاکه هیئتی دیپلماتیک از کابل به تهران سفر کرد. سفیر افغانستان برای پیگیری وضعیت زخمی‌های حادثه آتش گرفتن ماشین به یزد رفت.

افغانستانی‌ها در شهرهای مختلف این کشور و برخی کشورهای اروپایی اعتراضاتی را برپا کردند و همین چند روز قبل وزارت‌خارجه ایران، سفیر افغانستان در تهران را فراخواند. همه این‌ها درحالی اتفاق می‌افتد که ایران نزدیک به چهار دهه است از جمعیتی درخورتوجه از مهاجران افغانستانی میزبانی می‌کند و مهاجران افغانستانی سال‌هاست در کنار برادران و خواهران هم‌زبان خود زندگی می‌کنند اما پرسشی که پیش می‌آید، این است که چرا رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی می‌توانند با انتشار یک خبر در شبکه‌های اجتماعی خود، همه این پیوندها و خدمات را زیر سوال ببرند؟ به نظر می‌رسد دولت و رسانه‌ها نقش مهمی در این باره دارند، به‌طوری‌که واکنش سریع دولت و اطلاع‌رسانی شفاف رسانه‌ها در چنین شرایطی، می‌تواند نقش مهمی در جلوگیری از ایجاد حاشیه‌های این چنینی بازی کند. ناگفته نماند که مهاجران افغانستانی که در ایران زندگی می‌کنند، باوجودی‌که نقشی در ایجاد این حاشیه‌ها نداشته‌اند، زندگی‌شان از آن متاثر است.





عکس: احمدحسنی| شهرآرا

متأسفانه این بستر به‌صورت قانونی برای مهاجران فراهم نیست. بنده به‌سبب فعالیت‌های متعددم در این سال‌ها و شهرتی که کسب کرده‌ام و البته اعتماد برخی افراد و نهادها، خارج از سازوکارهای قانونی و بسترهای معمول توانسته‌ام فعالیت کنم. بسیاری از فرهنگیان و هنرمندان ما اگر بخواهند در این مسیر فعالیت کنند، با دو مشکل مواجهند؛ یکی نبود حمایت و پشتیبانی مالی و دیگری مشکلات اخذ مجوز و سخت‌گیری‌های قانونی موجود. درباره نکته اول، همه می‌دانیم که فعالیت‌های فرهنگی نیاز به حمایت و پشتیبانی دارد. مثلا هرکدام از نشریات ایران از جانب یک نهاد و تشکیلاتی حمایت می‌شوند؛ روزنامه جام‌جم با امکانات صداوسیما منتشر می‌شود، روزنامه قدس با حمایت آستان قدس منتشر می‌شود یا همین شهرآرا یا همشهری با امکانات شهرداری‌ها منتشر می‌شوند. نهادهای فرهنگی در ایران نیز بودجه خاص خود را دارند و این بودجه و امکانات است که می‌تواند زمینه‌ساز کمک و حمایت از فعالان فرهنگی شود. همچنین برای هر فعالیت فرهنگی و هنری در هر زمینه‌ای یک متولی وجود دارد. اما فعالیت‌های فرهنگی افغانستان در ایران متولی ندارد و به‌همین دلیل هنرمند افغانستانی با دست خالی نمی‌تواند به فعالیت خود ادامه دهد؛ چراکه فعالیت فرهنگی بازدهی اقتصادی چندانی ندارد. یک روزنامه اگر در شرایط کنونی حمایت مالی نهادی را نداشته نباشد، صرفا با تک‌فروشی و تبلیغات، نمی‌تواند به‌فعالیت خود ادامه دهد. دولت افغانستان نیز دسترسی و امکاناتی ندارد که بتواند در خارج از کشور هزینه و از هنرمندان خود حمایت کند. کنسولگری‌ها و سفارت افغانستان نیز اساسا اجازه هزینه کردن در ایران را ندارند و اگر هم داشته باشند، دولت افغانستان راغب و مایل به چنین اقدامات و فعالیت‌هایی نیست. اما در مورد نکته دوم، بسیار دیده‌ایم که هنرمندان مهاجر بارها خواسته‌اند نمایشگاه عکس یا نگارخانه‌های دائمی یا محلی برای فروش آثارشان داشته باشند اما با موانع و محدودیت‌های قانونی مواجه شده‌اند. اینکه من نسبت به دیگر مهاجران با محدودیت‌های کمتری برخورد کرده‌ام، شاید به این خاطر باشد که حوزه کاری من، حوزه قلمی است و این حوزه نه به امکانات خاصی نیاز دارد و نه به مجوزهای چندانی. یک شاعر، نویسنده یا ویراستار، چندان به مجوز کاری نیاز ندارد اما فردی که بخواهد در نهادی وارد شود یا فعالیتی جمعی را پیش ببرد، طبیعتا با مسئله اخذ مجوز و محدودیت‌های آن درگیر است. همکاری بنده با روزنامه قدس در اواخر سال ۷۳ یا اوایل سال ۷۴ به‌همین دلیل قطع شد. برای کار در روزنامه من باید از سمت اداره کار، مجوز کار می‌داشتم اما این مجوز برای اتباع خارجی صادر نمی‌شد تا بتوانند در یکی از موسسات مطبوعاتی ایران مشغول به‌کار شوند. در همان زمان آقای فیاضی در روزنامه قدس، بارها پیگیر این موضوع شدند و نامه‌نگاری کردند اما منجر به نتیجه نشد. بدین ترتیب من از روزنامه بیرون آمدم اما همکاری قلمی‌ام از همان سال تاکنون با روزنامه ادامه داشته است.

بسیاری از کسانی که از حمایت‌ها درباره استاد مایل بی‌خبرند، قضیه را طوری وانمود می‌کنند که استاد مایل در بی‌توجهی تمام بوده است و نهایتا بر اثر خودسوزی فرزند ایشان است که مسئولان به ایشان توجه کرده‌اند، درحالی‌که چنین نیست و استاد مایل همواره نظر نیک مسئولان را همراه داشته است

● جامعه ایران و افغانستان اشتراکات بسیار زیادی دارند؛ چه در تاریخ و زبان و چه در فرهنگ و دین مبین اسلام و اساسا این دو در یک جغرافیای فرهنگی تعریف می‌شوند. اما در سال‌های اخیر باوجود این اشتراکات، به‌جای آنکه به‌سمت نزدیکی بیشتر این دو جامعه حرکت کنیم، برخی با انگشت گذاشتن بر تفاوت‌ها و برجسته کردن افتراقات، درصدد دور کردن دو جامعه از یکدیگرند و شیطنت‌های دیگر دولت‌ها و رسانه‌های خارجی نیز در این موضوع دخیل است. فکر می‌کنید چگونه می‌توان در جهت نزدیکی و تعاملات بیشتر دو جامعه ایران و افغانستان حرکت کرد و درنتیجه آن شرایط زندگی جامعه مهاجر را بهبود داد؟

در طول این سال‌ها در سطوح مختلف دولتی و اداری در ایران، شاهد دو رویکرد متضاد درباره جامعه مهاجر بوده‌ایم. یکی رویکرد فرهنگی است که براساس مشترکات زبانی، دینی، منطقه‌ای و منافع راهبردی فرهنگی، علاقه‌مند به ارتباط بیشتر میان دو کشور است و جامعه مهاجر را به‌منزله یک فرصت درنظر می‌گیرد و دیگری رویکردی که برگرفته از این است که به مهاجر به‌چشم یک تهدید می‌نگرد. مسئله این است که هر اتفاقی که بخواهد در جامعه مهاجر بیفتد، باید ملاحظات آن را نهادهای مربوط تأیید کنند و تا مادامی که آن‌ها تأیید نکنند، اتفاقی رقم نمی‌خورد. بارها دیده‌ایم که فعالیت‌های مهاجران مثل یک کنسرت موسیقی یا تجمع فرهنگی آنان با یک نگرانی یا بن‌بست روبه‌رو شده است. اگر صدها دلیل مثبت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای برگزاری یک برنامه وجود داشته باشد و تنها یک دلیل برای برگزار نشدن آن، آن یک دلیل بر سایر دلایل سیطره پیدا می‌کند. این واقعیتی در تمام کشورهاست. در موضوع اعطای تابعیت ایرانی به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، دیدیم که در مجلس به‌تصویب رسید اما تا زمانی که نکات مدنظر در پیوست امنیتی لحاظ و اصلاح نشد، این قانون جنبه عملیاتی نیافت؛ البته باید گفت که نهادهای امنیتی با پدیده‌ها و موضوعاتی در جامعه مواجهند که شاید ما از آن‌ها بی‌خبر باشیم و این اصلا بعید نیست و سبب می‌شود ابعاد امنیتی یک موضوع برای آنان برجسته شود و بر دیگر ابعاد آن موضوع سایه بیندازد. در نتیجه همواره یک مغایرت و نه چالش بین دو نگاه یا رویکرد امنیتی و فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و زبانی در موضوع مهاجرت وجود داشته است و کسی نمی‌تواند آن را رد بکند؛ چراکه در آن صورت اگر مشکلی امنیتی پیش بیاید، آن فرد باید مسئولیت آن را برعهده بگیرد. بنده نیز در موقعیتی نیستم که بگویم این نگاه، غیرلازم است و نباید وجود داشته باشد یا کسانی که صاحب چنین نگاهی‌اند، در مسائل مختلف افراط می‌کنند. اما تصورم این است که می‌شود در امور مختلف با تدبیرهایی مسائل موجود را حل کرد. ممنوعیت صدور گواهی‌نامه، کارت بانکی یا سند مالکیت برای مهاجران و محدودیت خط تلفن به‌نام آنان، احتمالا به‌سبب همین مشکلات امنیتی تاکنون برطرف نشده است. اما این‌ها واقعیت‌های موجود جامعه است که اگر راه‌حلی برایشان پیدا نشود، عوارض ناشی از آن می‌تواند شدیدتر باشد؛ مثلا مهاجران ناچار می‌شوند سند ملک خود را به نام یک ایرانی بزنند یا کارت بانکی را به نام یک ایرانی بگیرند و خب درصورت بروز مشکل میان این دو، مسائل حقوقی بسیاری پیش می‌آید. بسیاری از پرونده‌های حقوقی مهاجران، مربوط به همین موضوعات است؛ یک مهاجر نمی‌تواند تسهیلاتی برای زندگی خود داشته باشد و ناچار می‌شود از یک ایرانی برای پیشبرد امور خود کمک بگیرد؛ مثلا یکی از هم‌وطنان ما در ایران به‌سبب محدودیت‌های قانونی موجود، به‌ناچار سند خودروی خود را به نام یک ایرانی زد. این خودرو در جایی نامناسب پارک شده بود و به پارکینگ منتقل شد. زمانی که او برای گرفتن خودرو مراجعه کرده بود، نمی‌توانست خودرو را تحویل بگیرد؛ چراکه فرد ایرانی که خودرو به نامش ثبت شده بود، خارج از کشور بود. در نتیجه این موضوع، معضلی برای گروهی از هم‌وطنانم در ایران ایجاد شده بود. فکر می‌کنم اگر این محدودیت‌های قانونی وجود نمی‌داشت، بسیاری از این موضوعات روزمره اصلا به معضل و بحران تبدیل نمی‌شد که بخواهیم برای آن چاره‌اندیشی کنیم.

● چند روز قبل اخباری در خصوص استاد مایل‌هروی منتشر شد. قبل از اینکه به این موضوع بپردازیم، بگویید که مایل‌هروی در حوزه زبان فارسی، چه شخصیتی است و اینکه نگاه جغرافیای افغانستان و ایران به او چگونه است؟

استاد نجیب مایل‌هروی یکی از پژوهشگران گران‌قدر حوزه ادبیات و تاریخ در قلمرو زبان فارسی محسوب می‌شود. تخصص اصلی و مهم ایشان در حوزه شناخت متون کهن و تصحیح آن‌هاست و دانشی است که معمولا افراد کمتری به آن اشتغال دارند و تسلط بر این موضوع بسیار دشوار است.

آقای مایل علاوه بر اینکه در تصحیح متون، مسلط است، در زمینه تحقیقات درباره متون کهن، نسخه‌شناسی و کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی نیز فرد بسیار شاخص و از مراجع اصلی این زمینه است؛ از کسانی است که در این حوزه خاص یعنی تحقیق در مورد سیر تحول نسخه‌نگاری در تمدن اسلامی و سیر تحول نسخه‌شناسی و نسخه‌پژوهی نیز فرد بسیار شاخصی است و کتابی دارد به نام تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح متون و کتاب دیگری دارد به نام کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی که این‌ها کتاب‌های مرجع در این حوزه‌ها هستند.

علاوه‌بر این، ایشان در حوزه عرفان، ادبیات و تصحیح متون مطالعاتی کرده‌اند که تصحیح کتاب شرح مصنوعی اکبرآبادی از این جمله است و نیز کتاب بسیار خوبی که درباره شیخ عبدالرحمان جامی نوشته است.

از نظر اعتبارات علمی از افراد شاخص چه در ایران و چه در افغانستان در حوزه‌هایی که مشغول به آن بوده، محسوب شده است. نکته دیگر درمورد ایشان، این است که نگرش جهان‌وطنی درمورد زبان فارسی دارد و تعبیری که به‌کار می‌برد، این است که ما یک وطن سیاسی داریم که همین مرزهای سیاسی کنونی ماست، یک وطن زبانی داریم که قلمرو زبان فارسی است و یک وطن فرهنگی داریم که تمام جهان اسلام را شامل می‌شود.

یک نگاه گسترده درباره مفهوم وطن و هم‌زبانی هم وجود دارد که کسانی به‌خصوص در افغانستان قائل به این هم‌زبانی نیستند و کشورهای دیگر هم طبیعی است که قائل به این موضوع نباشند که ما، ملل هم‌زبان و هم‌سرنوشتی هستیم، بلکه می‌خواهند ما از یکدیگر جدا و تفکیک‌شده باشیم. آن‌ها نگاه بسته‌ای به این وطن فرهنگی دارند و مرزهای جغرافیایی را عامل جداکننده می‌دانند.

● به عقیده شما در حالت کلی چرا چنین اتفاقی می‌افتد؟

درمورد اتفاقی که پیش آمده است، باید واقع‌بینانه به موضوع نگاه کنیم. یک قسمت از واقعیت این است که باوجود اینکه استاد مایل حدود نیم‌قرن در ایران بوده و همواره مشغول خدمت در حوزه زبان و ادبیات فارسی بوده است، از لحاظ اقامت و معیشت، وضعیت مطلوبی نداشته است. مردم و مهاجران به ایران همواره با تنگناها و دشواری‌هایی دست‌به‌گریبان هستند که استاد مایل هم تاحدودی با این مشکلات دست‌وپنجه نرم کرده است. او هرسال ناچار بوده است برای تمدید اقامت خودش دوندگی کند؛ به‌طور کلی مشکلاتی برای مهاجران در ایران وجود دارد که استاد مایل هم از این مشکلات مستثنا نبوده است، منتها نکته این است که باتوجه‌به شخصیت ارزشمند علمی و ادبی استاد، بعضی مسئولان فرهنگی و حوزه‌های مربوط به کتاب و کتابخانه‌ها، نگاه ویژه‌ای به ایشان داشتند و سعی کردند تا جایی که قوانین اجازه می‌دهد، از ایشان حمایت کنند. کتاب ایشان به‌عنوان کتاب سال انتخاب شد. بارها محفل نکوداشت برای ایشان برگزار شد. ایشان در برخی موسسات و مجموعه‌های فرهنگی فعالیت کرده است و درمجموع تلاش و علاقه ویژه‌ای ازسوی اهالی و متولیان فرهنگی ایران درباره استاد مایل دیده‌ایم و نباید منکر حمایت‌های آن‌ها باشیم. بر اثر همین حمایت‌ها بود که یکی‌دو سال پیش که ایشان کسالت داشت، بعضی مسئولان فرهنگی به‌طور جدی پیگیر حال ایشان شدند. آقای پژمان‌فر، نماینده مشهد در مجلس شورای اسلامی، پیگیر مسئله اقامت ایشان شد و آقای نیکنام حسین‌پور، مسئول وقت خانه کتاب، ازطرف سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ، مامور پیگیری امور استاد شد. ولی با همه نگاه‌های مثبتی که فرهنگیان و مسئولان فرهنگی کشور درباره استاد مایل داشته‌اند، قوانین و مقررات اقامتی، دشواری‌ها و انعطاف‌ناپذیری‌های خود را دارد و با وجود همه این تلاش‌ها، این تنگناها برای ایشان به‌طور کامل رفع نشده است. این مشکلی است که متأسفانه برای اغلب نخبگان افغانستان وجود دارد و ما دیده‌ایم که قبلا هم کسانی همچون عبدالقهار عاصی، شاعر نامدار افغانستان، عبدالوهاب مددی، هنرمند و پژوهشگر موسیقی و محمدرحیم خوش‌نواز، رباب‌نواز برجسته کشور، با آن دست‌به‌گریبان بوده‌اند؛ البته درمورد آنان هم بعضی فرهنگیان و متولیان نهادهای هنری تلاش‌هایی کردند، ولی به نتیجه دلخواه نرسید و آنان کشور را ترک کردند. مشکل اینجاست که بسیاری از کسانی که در فضای مجازی از جزئیات این حمایت‌ها و نظر نیک مسئولان درباره استاد مایل بی‌خبرند، قضیه را طوری وانمود می‌کنند که استاد مایل در بی‌توجهی تمام بوده است و نهایتا بر اثر خودسوزی فرزند ایشان است که مسئولان به ایشان توجه کرده‌اند، درحالی که چنین نیست و استاد مایل همواره نظر نیک مسئولان را همراه داشته است و آنان همکاری‌ها و همراهی‌هایی کرده‌اند ولی متأسفانه این همکاری‌ها در حد کامل نبوده‌است؛ به‌دلیل همین تنگناها و مقررات دست‌وپاگیری که وجود دارد.

ولی رسانه‌های بیگانه و کسانی که قصد آسیب زدن به روابط دو کشور را دارند، غالبا آن نگاه مثبت و خدماتی را که برای استاد مایل انجام شده است، بازتاب نداده‌اند و به این ترتیب، بستر مناسبی برای ایجاد کدورت بین دو ملت، فراهم کرده‌اند. متاسفانه این قضیه بسیار نامطلوب است. آن‌ها موجب شدند بعد از واقعه غرق شدن جمعی از مهاجران در هریرود و آتش گرفتن خودرویی که حامل مهاجران بود، این اتفاق نیز حاشیه‌ها و خبرهایی ایجاد کند که ممکن است سبب بروز کدورت بین دو ملت شود.

تیرماه؛ واریز اعتبار جامانده سهمیه سوخت

اعتبار جامانده سهمیه سوخت خرداد رانندگان حمل‌ونقل عمومی، تیرماه واریز می‌شود. به عبارت دیگر در چند روز آینده مابه‌التفاوت سهمیه سوخت رانندگان حوزه حمل‌ونقل عمومی در خرداد، محاسبه ریالی خواهد شد و این اعتبار ریالی در ۱۰روز ابتدایی تیرماه به کارت بانکی رانندگان واریز می‌شود.

مرتضی ضامنی، مدیرعامل اتحادیه تاکسی‌رانی‌های شهری کشور، به مشرق‌نیوز گفته است: «اعتبار فوق در تمامی کارت‌های بانکی رانندگان شارژ می‌شود و رانندگان تنها در زمان سوخت‌گیری می‌توانند از هر یک از کارت‌های بانکی خود، به منظور پرداخت هزینه سوخت در جایگاه استفاده کنند.»

او همچنین از انجام اقدامات شماره‌گذاری تاکسی‌های صفر یورو۴ و فرایند پرداخت وام به رانندگان تاکسی خبر داده و گفته است: پیامک وام برای رانندگان ارسال می‌شود.

یارانه موالید جدید حذف نمی‌شود

چندی است که هیئت وزیران آیین‌نامه اجرایی بند الف تبصره۱۴ قانون بودجه، موضوع منابع و مصارف هدفمندی یارانه‌ها را تصویب کرده‌اند و ستاد شناسایی تبصره۱۴ قانون بودجه از ۱۱خرداد موظف شده است ظرف یک ماه موالید جدید را شناسایی کند.

حسین میرزایی، سخن‌گوی ستاد شناسایی تبصره۱۴ قانون بودجه، به خبرگزاری مهر گفته است: «اساساً بحث حذف یارانه موالید در سال ۹۹، مطرح نیست و مسئله شناسایی و کسانی که باید مشمول آن شوند، مطرح است و علی‌القاعده موالید جدید دنباله‌روی خانواده‌هایشان هستند و اگر خانواده مشمول یارانه باشد، فرزند هم یارانه دریافت خواهد کرد. به هیچ‌وجه جای نگرانی وجود ندارد و مردم بدانند که به پروتکل‌ها و سیاست‌های جمعیتی ابلاغ‌شده از سوی مقام معظم رهبری، توجه خواهد شد و قطعا نصب‌العین ما خواهد بود و ان‌شاءا... ظرف یک ماه آینده خبرهای خوبی اعلام خواهد شد.»

هم‌اکنون هیچ سایتی برای این مسئله درنظر گرفته نشده است و بنا به گفته میرزایی، بعداً در این زمینه اطلاع‌رسانی خواهد شد و هم‌اکنون نیازی نیست که هم‌وطنان اقدامی انجام دهند.

مدارس هیئت‌امنایی مجاز به اخذ وجه هنگام ثبت‌نام نیستند

مدارس هیئت‌امنایی مجاز به دریافت هیچ گونه وجهی هنگام ثبت‌نام نیستند. مدارس هیئت‌امنایی، کلاس‌های فوق‌برنامه دارند. جزئیات فوق‌برنامه‌ها به اطلاع اولیا می‌رسد و تنها هزینه فوق‌برنامه دریافت می‌شود و چیزی به اسم شهریه در مدارس هیئت‌امنایی نداریم.

رسول پاپایی، مدیرکل امور شوراها و مناطق آزاد تجاری وزارت آموزش و پرورش، در گفت‌وگو با ایسنا، گفته است: «مدارس هیئت‌امنایی ماهیتی کاملا دولتی دارند و بخشنامه ثبت‌نام مدارس دولتی برای مدارس هیئت‌امنایی نیز قابل تسری است، از این‌رو مجاز به دریافت هیچ گونه وجهی هنگام ثبت‌نام نیستند.»

مدیرکل امور شوراها و مناطق آزاد تجاری وزارت آموزش‌وپرورش افزوده است: مدیریت مدرسه به روش هیئت‌امنایی یک مدیریت مبتنی بر مشارکت و سبکی از مدیریت مشارکت‌محور است و معمولا هیئت‌امنا فعالیت‌های فوق‌برنامه طراحی می‌کنند.

وی گفته است: اولیا با علم به اینکه در این مدارس فعالیت‌هایی تحت عنوان فوق‌برنامه به صورت اختیاری انجام می‌شود، علاقه‌مند به شرکت فرزندانشان در این کلاس‌ها هستند. سال گذشته نرخ فوق‌برنامه در برخی استان‌ها ۱۰۰هزار تومان بود و در کلان‌شهری مانند تهران برای متوسطه دوم در نهایت ۲میلیون تومان تعیین شد. بنابراین هزینه فوق‌برنامه یک رقم واحد کشوری ندارد و مدرسه‌محور است.

به روایت منشور

منشور حقوق و مسئولیت‌های شهرنشینی شهر مشهد(۵)

فصل سوم: حقوق و اجتماع

۶-۳-گروه‌های خاص

۲۶ مدیریت شهری موظف است حقوق زنان را به رسمیت شناخته، از هرگونه تبعیض ناعادلانه و ناروا به علت جنسیت جلوگیری کند و زمینه مشارکت فعالانه و موثر آنان را در حل مسائل شهری با حفظ کرامت و شخصیت انسانی، مهیا و تسهیل نماید.

۲۷ مدیریت شهری موظف است به بهبود دسترسی پذیری جانبازان و افراد دارای معلولیت در همه حوزه‌ها و فراهم آوردن فرصت برابر با همه افراد در برخورداری از امکانات زندگی اجتماعی، اقدام کنند.

۲۸ مدیریت شهری موظف است به ساکنان مناطق پیرامونی و کم‌برخوردار توجه کرده، حقوق برابر و عادلانه را در چارچوب قانون برای آنان تضمین کند.

برای مطالعه منشور کامل حقوق و مسئولیت‌های شهرنشینی شهر مشهد کد روبه‌رو را اسکن کنید

مصطفی سالاری، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی: اطلاعات مشمولان دریافت مقرری بیمه بیکاری که رقم پرداختی آن‌ها مشکل داشته است یا شماره شبای دیگری را اعلام کرده‌اند، به‌زودی به سازمان برنامه و بودجه ارسال می‌شود تا مشکل رفع شود.

